



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 52, No. 2, Issue 105

سال پنجاه و دوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۵

Autumn & Winter 2020 - 2021

پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۳۱-۵۲

DOI: 10.22067/jquran.2020.40095

### تحلیل استعاری احساس حسد در روایات معصومین علیهم السلام\*

زهرا بشری ترشیزی

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: basharizahra@yahoo.com

دکتر علی ایزانلو<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: aliizanloo@um.ac.ir

### چکیده

در این پژوهش پس از معرفی رویکرد شناختی به استعاره، روایات و احادیث پیامبر اکرم و امامان شیعه علیهم السلام و چگونگی کاربرد استعاری زبان در توصیف احساس حسد، به عنوان یکی از وجوه انتزاعی وجود آدمی بررسی شده است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این مسأله است که آیا استعاره به عنوان یک ابزار تسهیل فهم، در احیای دینی استفاده شده است و اگر چنین است، تا چه میزان در انتقال مفاهیم مرتبط با احساس حسد کاربرد داشته است. چه حوزه‌های مبدئی برای این احساس به کار رفته و اساساً در این احادیث از استعاره برای تسهیل درک چه مفاهیم ذهنی استفاده شده است. به این منظور کتب معتبر شیعه بستر پژوهش قرار گرفته و بر اساس نظریه لیکاف در باب استعاره‌های شناختی، واکاوی شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که استفاده از استعاره در ۶۰ درصد از احادیث مرتبط با حسد به چشم می‌خورد و حوزه‌های مبدا گزینش شده در این استعاره‌های شناختی در کمال ظرافت و فراست، گویای ویژگی‌ها و تبعات حسد هستند. این استعاره‌ها به گونه‌ای ساختار بندی شده‌اند که همگی به شکلی منسجم و به هم پیوسته در راستای معارف و مفاهیم مورد نظر قرار دارند.

**کلیدواژه‌ها:** روایات، احساسات، حسد، استعاره مفهومی، زبان‌شناسی شناختی.

\* مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

---

## Metaphorical analysis of the envy in the narrations of the Infallibles (pbuh)

**Zahra Bashari Torshizi**

MA Graduate, Ferdowsi University of Mashhad

**Dr. Ali IZANLOO** (Corresponding Author)

Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

### **Abstract**

This study, after introducing the cognitive approach to metaphor, explores narrations and hadiths quoted from the Holy Prophet and Shiite Imams as well as the metaphorical language used to describe the feeling of envy as one of the subjective aspects of human existence. Accordingly, the present study aims to examine whether metaphor has been employed as a tool to facilitate the understanding of religious contexts and if so, to what extent it has been successful in conveying concepts associated with the feeling of envy. Moreover, it seeks to shed light on the origins of this feeling and subjective concepts for which metaphor is employed to deepen the understanding. For this purpose, authentic Shiite works have been investigated and analyzed based on Lakoff's theory on cognitive metaphors. The results suggest that metaphors have been utilized in 60% of the hadiths on envy and the domains identified in these cognitive metaphors are subtly indicative of the characteristics and ramifications of envy. These metaphors are structured coherently in keeping with the desired teachings and concepts.

**Keywords:** narratives, emotions, envy, conceptual metaphor, cognitive linguistics

## مقدمه

استعاره از اساسی‌ترین وجوه زبان تخیلی و عنصری کانونی در فرآیند ارتباطی به حساب می‌آید. دیدگاه کلاسیک درباره استعاره نخستین بار در آرای ارسطو در کتاب فن شعر مطرح شد (نجف‌زاده و کندی، ۱۳۸۷). ارسطو استعاره را موضوعی صرفاً ادبی می‌دانست که در حوزه بلاغت و جهت آراستن کلام به کار گرفته می‌شود. از این نظر زبان مردم عادی در حوزه روزمره کمتر به این بلاغت ادبی آراسته است. در مقابل این تلقی کلاسیک از استعاره، در اواخر قرن بیستم نظریه جدیدی مطرح شد که بر اساس آن استعاره به هر گونه تصویرسازی از مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم عینی تر قابل اطلاق است و از این نظر نه تنها محدود به صنایع ادبی نمی‌شود بلکه فرآیندی است که به وفور در کاربردهای روزمره زبان به چشم می‌خورد.

نخستین بار لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نظریه معاصر درباره استعاره را مطرح کردند. آن‌ها با به چالش کشیدن نگاه کلاسیک، قلمرو استعاره را تا حوزه اندیشه و عمل گسترش دادند. بر اساس نظریه آن‌ها استعاره درک و تجربه یک چیز بر اساس چیزی دیگر است و نظام مفهومی هر روزه آدمی که بر طبق آن فکر و عمل می‌کند، اساساً ماهیتی استعاری دارد. بنابراین، استعاره نه تنها به حوزه زبان محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند منبع مهمی برای شناخت و درک پدیده‌ها و امور باشد. این نظریه همچنین بر مبنای تجربه‌های مشترک جسمی همه انسان‌ها استعاره را امری جهانی تلقی می‌کند. بدین ترتیب طرح نظریه معاصر موجب فراتر رفتن استعاره از حوزه‌های ادبی و بلاغی و ورود آن به حوزه‌های گسترده تازه‌ای شد.

از آن‌جا که بیان احساسات و عواطف آدمی بدون کمک گرفتن از حوزه‌های معنایی دیگر کاری دشوار است، کاربران زبان همواره برای بیان این حوزه‌های مفهومی و ذهنی از تعابیر استعاری استفاده می‌کنند و وجود استعاره را برای درک بیشتر جنبه‌های احساس و تجربه احساسات، از حوزه‌های ملموس و عینی‌تر ساسانی، (۱۳۹۲). به عبارت دیگر، برای بیان مفاهیم انتزاعی احساسات، از حوزه‌های ملموس و عینی‌تر کمک گرفته می‌شود. با توجه به اهمیت احساسات به عنوان یکی از فراگیرترین و مرکزی‌ترین جنبه‌های تجربه بشری و یقین به این موضوع که تمام مسایل مرتبط با انسان در فرامین دینی در موثرترین و بهترین شیوه مورد پردازش قرار گرفته‌اند، در این پژوهش سعی شده است که به کاربرد استعاره در لسان بزرگان مذهب تشیع پیرامون احساس حسد پرداخته شود و نقش استعاره در درک آثار و عواقب مفهوم انتزاعی حسد مورد واکاوی قرار دهد.

بدین ترتیب کاربرد استعاره در احادیث مرتبط با احساس حسد در چارچوب رویکرد شناختی نظریه معاصر استعاره، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این بررسی این است که بدانیم استعاره به عنوان

یک ابزار تسهیل فهم در احیای دینی تا چه میزان در انتقال مفاهیم مرتبط با احساس حسد کاربرد داشته‌است؛ چه حوزه‌های مبدائی برای این احساس به کار رفته‌است و استعاره‌های موجود در احادیث چگونه ابعاد مختلف مفهوم انتزاعی احساس حسد را در قالب تجربه‌های روزمره انسان قرار داده‌اند.

### پیشینه پژوهش

در بیان ادبیات و پیشینه مطالعات مرتبط با پژوهش حاضر سعی شده‌است که هر یک از جنبه‌های حاضر در پژوهش به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و مطالعات انجام‌شده در دو بخش کلی بیان گردد. در بخش نخست به پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه استعاره‌های مفهومی مرتبط با احساسات و در بخش دوم به پژوهش‌های انجام‌شده درباره واکاوی مفهوم استعاره‌های مفهومی در منابع مذهبی می‌پردازیم.

#### الف- پژوهش‌های استعاره‌های مفهومی مرتبط با احساسات

احساسات یکی از فراگیرترین و مرکزی‌ترین جنبه‌های تجربه بشری است. بررسی زبان‌شناختی زبان احساسات به عنوان راهی برای مطالعه قوه شناخت بشری (اورتونی و همکاران، ۱۹۸۸) موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته‌است و پژوهشگران بسیاری به استعاره‌های مفهومی مرتبط با احساسات پرداخته‌اند و آن را روشی سودمند برای درک این مفاهیم انتزاعی دانسته‌اند که از این میان می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهش خود استعاره‌های مفهومی «غم» در مرثیه‌های ملاعلی فاخر و حبسیه‌های مسعود سعد سلمان را از منظر معنی‌شناسی شناختی و به روش توصیفی - تحلیلی بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که در مرثیه‌ها ۱۶ نوع نام‌نگاشت و در دیوان مسعود سعد سلمان ۱۲ نوع نام‌نگاشت برای این احساس یافت می‌شود. در این میان ۸ نام‌نگاشت مانند «انسان»، «شی» و «آتش» در هر دو اثر، مبدا مشترک داشتند.

عبیدی و رومیانی (۱۳۹۸) بر مبنای نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی و شناختی به بررسی استعاره‌هایی پرداخته‌اند که در آثار نظامی با محوریت عشق بازتاب یافته‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سوزندگی، مست‌کنندگی و ذی‌شعور بودن عشق، بیشتر از سایر جنبه‌های آن مد نظر نظامی بوده‌است.

شریفی مقدم و ارجمندی (۱۳۹۷) نیز به نقش استعاره در احساسات غم و شادی پرداخته‌اند. ایشان در پژوهش خود میزان تطابق استعاره‌های مفهومی کلامی و غیر کلامی حوزه‌های غم و شادی در اشعار دوره ابتدایی را از منظر زبان‌شناسی شناختی ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها در ابتدا میزان کاربرد استعاره‌های غم و

شادی را مورد مطالعه قرار داده و سپس با مطالعه ۲۶ شعر، مطابقت استعاره در سطح کلام و تصویر را بررسی کرده‌اند. مقایسه داده‌های متعلق به دو حوزه نشان داده است که مفاهیم مرتبط با حوزه شادی به طرز قابل ملاحظه‌ای بیشتر از حوزه غم است. به علاوه، از لحاظ مطابقت سطح کلام و تصویر از میان این مجموعه، ۸ شعر دارای تطابق کامل، ۱۷ شعر دارای تطابق نسبی و ۱ شعر تطابق بسیار کم داشته‌است که نشانگر نیاز به دقت و توجه بیشتر در بهبود تصاویر حوزه شعر کودک است.

پژوهش ایرما، ینتی و عزیز (۲۰۲۱) بر پایش عبارات استعاری برای انتقال غم در زبان انگلیسی و ژاپنی متمرکز بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که استعاره‌های انگلیسی و ژاپنی در برخی حوزه‌ها شبیه و در برخی متفاوت‌اند. نویسندگان تفاوت‌ها را به حالت‌های فرهنگی خاص در زبان انگلیسی و ژاپنی مرتبط دانسته و معتقدند شباهت‌ها می‌تواند به جهانی بودن استعاره‌های مفهومی مربوط باشد.

پورابراهیم و محسنی کهنوج (۲۰۱۶) استعاره مفهومی احساسات در شعر معاصر انگلیسی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به دنبال شناسایی و تحلیل استعاره‌های موجود در اشعار برخی شاعران بر اساس مدل کووچس بوده و نتیجه گرفته‌اند که بیشتر اشعار برای تشریح و توصیف احساسات مختلف، از استعاره هستی‌شناسانه استفاده کرده‌اند

کوکزک (۲۰۱۵) نیز مفهوم‌سازی حوزه احساس را در زبان‌های مختلف بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌است که بخش عمده مفهوم‌سازی احساسات در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف استعاری است. استعاره در زمینه احساسات نه تنها در کاربرد زبانی بلکه در درک بسیاری از وجوه تجربیات احساسی موثر و ضروری است؛ به طوری که بدون به‌کارگیری این روش بیان و درک این موضوع دشوار می‌شود.

اسنوا (۲۰۱۱) در پژوهش خود استعاره‌های مربوط به خشم، ترس و اندوه را بررسی کرده‌است و پس از بررسی حوزه‌های مبدا و مقصد، صدا را که تجربه‌ای فیزیکی است از قلمروهای مهم در بیان این سه حس معرفی کرده‌است.

### ب- پژوهش‌های مرتبط با استعاره‌های مفهومی منابع مذهبی

وارد کردن رویکردهای جدید علوم در متون دینی و مذهبی از امور ضروری است؛ زیرا بنا به باور مسلمین، متون مذهبی و به‌ویژه قرآن در هر زمان و زمینه‌ای مطلب جدیدی برای عرضه دارد و با بررسی رویکردها و نظریات جدید در این متن، ابعاد تازه‌تری از آن را می‌توان کشف کرد<sup>۱</sup>. نظریه استعاره شناختی

۱- در روایات شیعی است که از امام صادق (ع) سؤال شد که چرا قرآن با تکرار و درس و نشر جز تازگی اثر دیگری نمی‌پذیرد؟ ایشان پاسخ دادند که تازگی قرآن برای آن است که خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت یا مردم خاص نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است و در نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پر جذبه خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۱۳).

نیاز از این قاعده مستثنی نیست و پژوهش‌هایی در این باب با بستری از متون و مفاهیم مذهبی انجام شده است که پاره‌ای از آن‌ها عبارتند از:

کریمی، داوودی مقدم و قطبی (۱۴۰۰) با هدف تحلیل استعاره‌های مفهومی «عقل» در روایات با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی روایات معصومین (ع) پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از آن است که مهمترین حوزه‌های مفهومی «عقل» در روایات شامل نور و روشنایی، سرمایه و ثروت، بی‌نیازی، بخشش، نعمت، زیبایی و آراستگی، هدایت‌گری، قدرت و فرماندهی، آبادانی، درمانگری، دوستی و گشایش است؛ که به علت نزدیکی به طرحواره‌های قابل درک برای مخاطب، سبب باورپذیری و تمرکز و انتقال هرچه بهتر آموزه‌ها شده است.

عبدی و هدایتی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با روش تحلیلی - نظری به واکاوی آیات مربوط به قیامت و نحوه‌ی بازنمایی آن‌ها پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با توجه به نامأنوس و غیر محسوس بودن جهان پس از مرگ، از قالب و ابزار زبان و به صورت استعاری جهت فهم بیشتر این واقعه استفاده کرده است. همچنین برخلاف استعاره‌های دیگر موجود در قرآن که از انواع استعاره‌های مفهومی استفاده شده است؛ غالب آیات مربوط به قیامت از نوع هستی‌شناسی است و نوع ساختاری و جهتی در مرتبه بعدی قرار دارد.

پژوهش حبیبی، فتاحی‌زاده و افراشی (۱۳۹۹) با بررسی تطبیقی دو مورد از پرکاربردترین جلوه‌های زبان در قرآن یعنی «قول» و «کلام» بر اساس نظریه‌ی استعاری مفهومی، می‌کوشد روشن سازد که این دو مفهوم، چگونه با استعاری مفهومی بازنمایی شده‌اند. نتایج این پژوهش پس از بررسی ۱۷۳ عبارت استعاری مرتبط با واژه‌های «قول» و «کلام» نشان می‌دهد که این دو واژه در قرآن با استفاده از حوزه‌های مبدأ همسان شیء و ظرف مکان، حوزه‌های مبدأ متفاوت حرکت و مطروف و همچنین دو حوزه‌ی مقصد مشترک (آفرینش و قضاء حتمی) ساختاربندهی شده است.

حبیبی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی پیکره‌ای ۲۴۲۹ آیه که جلوه‌های گفتاری و نوشتاری زبان را دربردارد به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند که مفهوم زبان در قرآن کریم چگونه ساختاربندهی شده و این مفهوم‌سازی بر درک چه موضوع‌هایی از معارف قرآنی اثرگذار بوده است. پس از تحلیل آیات و کشف استعاره‌های موجود در آن مشخص شده که ۴۴۳ مورد دارای مفهوم استعاری هستند که در آنها حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ظرف، حرکت و مطروف مورد استفاده قرار گرفته است.

قائمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵) استعاره‌های مفهومی قرآن و اثرگذاری آن را بر سخنان امام علی (ع) بررسی کرده‌اند. داده‌های پژوهش آن‌ها شواهدی از پیوند استعاره‌های زبان قرآن و استعاره‌های کلام امام را

نشان می‌دهد. همچنین، استعاره‌های مفهومی‌ای که مبنای تجربی دارند به وفور در آیات قرآن و کلام امام یافت می‌شوند و استعاره‌های زبانی کلام علوی پیوند معناداری با استعاره‌های مفهومی قرآن دارند؛ به گونه‌ای که بسیاری از استعاره‌های زبانی حضرت از تجلیات استعاره‌های قرآن و تبیین ارزش‌های قرآنی است.

صبحی گراغانی و حیدربان شهری (۱۳۹۴) بر روی استعاره‌های مفهومی سوره بقره تمرکز کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که استعاره‌های مفهومی زیادی با بهره‌گیری از اعضای بدن که عمدتاً به عنوان حوزه مبدا به کار می‌روند برای تبیین مفاهیم انتزاعی استفاده شده‌است و حوزه‌های تجربی شناخته‌شده برای درک حوزه‌های انتزاعی به مدد انسان‌ها آمده‌است.

چنان‌که مشاهده شد، ادبیات و پیشینه موضوع، تازگی پژوهش حاضر را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه استعاره‌های مفهومی در متون مذهبی احساسات را به طور مستقل مبنای مطالعات خود قرار نداده‌اند. همچنین، تا به امروز هیچ پژوهشی بررسی استعاره‌های مفهومی احساسات را به متون مذهبی و احادیث پیوند نده‌است. در حالی که تأثیر استفاده از رویکردهای جدید در شفاف‌سازی منابع دینی و نمایش عمق اعجاز آن امری ضروری است. از سوی دیگر، با توجه به اثر غیر قابل انکار احساسات بر رفتار و کردار آدمی، هر گونه عینی‌سازی آن‌ها گام بزرگی در جهت پیاده‌سازی توصیه‌های دینی محسوب می‌شود.

#### چهارچوب نظری

ریشه واژه metaphor (استعاره) کلمه یونانی metapherin به معنای انتقال دادن است و معادل آن استعاره در عربی از واژه «عاریه» گرفته شده است و بدین معنی است که کسی چیزی را از دیگری به طور موقت و امانی بگیرد. قدیم‌ترین نظریه در مورد استعاره که تحت عنوان دیدگاه کلاسیک مطرح می‌شود به ارسطو باز می‌گردد. او استعاره را نوعی آرایه ادبی در نظر گرفته است که صرفاً جنبه زیبایی‌شناسانه دارد و مختص زبان ادبی است. در منابع فارسی نیز تعاریفی در قالب این دیدگاه در باب استعاره وجود دارد و بزرگانی همچون کزازی (۹۴) استعاره را شیوه‌ای در بازنمود اندیشه شاعرانه می‌دانند که گونه پرورده‌تر و هنری‌تری از تشبیه است. پس از نگرش سنتی که استعاره را ابزاری صرفاً در خدمت شعر و زبان ادب می‌دانست، دیدگاه رمانتیک که در قرن هجدهم و نودم میلادی مطرح شد، استعاره را به طریق دیگری بیان کرد. شاید این نگرش که در آن استعاره لازمه زبان و تفکر برای بیان جهان خارج به شمار می‌آید و

محدود به زبان ادبی نمی‌شود (صفوی، ۳۶۸) پایه تغییر نگرش به مفهوم استعاره و بروز نگرش شناختی را بنا نهاد.

### الف- نگرش شناختی به استعاره

مبانی نظری پژوهش حاضر از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (لیکاف، ۱۹۸۷؛ لیکاف، ۱۹۹۳؛ لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹)، به عنوان مقابله‌ای با نظریه‌های کلاسیک گرفته شده است. بر طبق نظر لیکاف و جانسون دلیل این‌که مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی مفهوم‌سازی می‌شوند این است که تفکر درباره مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی ساده‌سازی می‌شود.

بر اساس نظریه مذکور استعاره درک و تجربه یک چیز بر اساس چیزی دیگر است و نظام مفهومی هر روزه آدمی که بر اساس آن فکر و عمل می‌کند، اساساً ماهیتی استعاری دارد و از آنجا که دسترسی مستقیم به آن در حالت عادی مقدور نیست، برای کشف ساختار این نظام می‌توان از بازنمود آن یعنی زبان بهره جست. در واقع در نظریه استعاره مفهومی، استعاره ویژگی مفاهیم است نه کلمات، و زبان استعاری بروز و ظهور روساختی استعاره‌های مفهومی محسوب می‌شود.

در این مفهوم استعاره اغلب نه بر حسب شباهت بلکه بر پایه همبستگی‌هایی تجربه‌شده طرح‌ریزی می‌شوند. در استعاره مفهومی یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر فهمیده می‌شود و این با فهم یک مفهوم یا پدیده انتزاعی بر اساس یک شیء یا پدیده دیگر متفاوت است. همچنین آن‌چه به عنوان حلقه واسط این حوزه‌های مفهومی عمل می‌کند روابط آن‌هاست نه صرفاً عبارات زبانی که در دو حوزه مشابه باشند؛ به طوری که این نوع از استعاره از طریق جملاتی می‌تواند بیان شود که اساساً شباهت لفظی چندانی به استعاره طرح‌شده و حوزه مرتبط با آن نداشته باشد. مثلاً در جمله «کتاب را قورت داده‌است» که از مصادیق زبانی استعاره مفهومی اندیشه غذاست، از الفاظ اندیشه و غذا استفاده نشده‌است، بلکه از قرائن آن بهره گرفته شده است. زبان‌شناسان شناختی برای صورت‌بندی استعاره‌های مفهومی از الگوی حوزه مفهومی «الف حوزه مفهومی ب است» یا «حوزه مفهومی الف به مثابه حوزه مفهومی ب است» استفاده می‌کنند. به منظور حفظ تمایز بین استعاره‌های مفهومی و عبارات‌های زبانی منعکس‌کننده آن‌ها، الگوی حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدأ را به کار گرفته‌اند و ساختار استعاره مفهومی را بر اساس حوزه‌های مبدأ، مقصد و فرآیند نگاشت محسوب کرده‌اند.

حوزه مبدأ عبارت از حوزه‌ای است که از آن برای درک مفاهیم انتزاعی کمک گرفته می‌شود. این حوزه غالباً به تجارب روزمره زندگی نزدیک‌تر است. بنابراین، حوزه مبدأ در شکل‌گیری استعاره بسیار نقش داشته و بدیهی است که استفاده از این حوزه در تشکیل استعاره موفقیت آن را تضمین می‌کند. منظور از حوزه



مقصد در استعاره، حوزه‌ای است که سعی در جهت فهم آن باشد. به عبارت دیگر، حوزه مقصد در واقع مفهومی است که به کمک حوزه مبدأ به شکل روشن‌تری بیان می‌شود. مفاهیم این حوزه معمولاً انتزاعی است و برای درک و انتقال آن‌ها به بهره‌گیری از تجارب ملموس حوزه مبدأ نیاز است. آنچه در استعاره مفهومی روی می‌دهد نداشت بین دو حوزه است و این کلمات یا عبارات نیستند که استعاره را می‌سازند، بلکه اساس استعاره بر روابط مفهومی میان دو حوزه مبدأ و مقصد استوار شده است. بر این اساس، اصلی‌ترین کارکرد کلمات و عبارات برانگیختن ذهن به برقراری نگاشت است. نگاشت بین دو حوزه به این معنا است که بین عناصر حوزه مفهومی مقصد با عناصر حوزه مفهومی مبدأ رابطه تناظر برقرار شده است. در واقع هر نگاشت مجموعه‌ای از تناظرهای مفهومی است که ویژگی‌های دو حوزه شناختی را بر هم منطبق می‌کنند.

#### ب- احساسات

احساسات یک حالت روان‌شناختی پیچیده و یکی از جنبه‌های مهم وجود آدمی است. هر انسانی مجموعه‌ای از احساسات را تجربه می‌کند، اما غالباً قادر به توصیف آن‌ها نیست و صرفاً به صورت امری ذهنی و روحی قابل درک است. عده‌ای معتقدند که تجارب احساسی و احساسات فرهنگ وابسته هستند و بافتی که احساس در آن اتفاق می‌افتد، طریقه درک و ارزیابی موقعیت و نوع واکنش و مقابله با احساس همگی تحت تاثیر مدل فرهنگی هستند (هایر و بادجا، ۲۰۱۴). تحقیقات متعددی احساسات را به عنوان پدیده‌ای جهانی می‌شناسند.

یکی از احساسات آدمی که در فرهنگ ایرانی و اسلامی همواره در دسته احساسات ناخوشایند جای و مورد مذمت قرار می‌گیرد حسد است. حسد در لغت به معنای آرزوی زوال نعمت از کسی است که سزاوار داشتن آن است. شخص حسود علاوه بر آرزوی قلبی، چه بسا در زوال و نابودی آن نعمت نیز اقدام کند. حسادت واکنشی هیجانی است که از قریب دو سالگی آغاز می‌شود و با رشد کودک، ممکن است تا بزرگسالی ادامه یابد (حسام شهرئیس، ۱۳۹۱). حسد یکی از بیماری‌های اخلاقی است و سلامت جسمی و روحی فرد را به خطر می‌اندازد و موجب برهم‌ریختگی امور عادی زندگی می‌شود. در واقع حسد بحرانی روحی است که بیش از همه، خود حسود را آزار می‌دهد و تا حد اضطراب دائم و به خطر افتادن سلامت جسمی پیش می‌رود (مهدی‌پور، ۱۳۹۱). شخص حسود کسی است که از وجود نعمت، شادکامی، موفقیت و پیشرفت دیگران، مورد توجه واقع شدن دیگران توسط فرد یا افراد دیگر و مطرح شدن سایرین در حیطه‌های مختلف اجتماع ناراضی است و دوست ندارد که دیگری از نعمت یا آسایش برخوردار باشد. در

الگوی حسادت، غالباً نوعی ترس نیز وجود دارد، زیرا حسود گاهی احساس می‌کند که دیگری منافع او را به خطر انداخته است (سالووی و راتمن، ۱۹۹۱).

به دلیل آسیب‌های روحی و جسمی حسد، رفتارهای حسادت‌آمیز از نظر اسلام نیز نهی شده است و آدمی وظیفه دارد که آن را مهار کند؛ زیرا بنا بر فرهنگ اسلامی، انسان باید سرشار از نیرو و اشتیاق و دارای جسم و ذهن و روحی سالم باشد. قاعدتاً حسد با نتایجی که از منظر روان‌شناختی و دینی ایجاد می‌کند، سلامت را به خطر می‌اندازد و مانع آرامش و سلامت کامل می‌شود.

حسد به عنوان مفهومی ذهنی و روحی به تنهایی و آسانی قابل توصیف نیست و برای ترسیم تمام ابعاد و نتایج و آثارش، به توصیف استعاری نیاز است. مفاهیم انتزاعی بدون استعاره توصیف‌پذیر نیست و درک و انتقال آن‌ها بر مبنای استعاره صورت می‌گیرد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). استعاره‌های موفق در ایجاد نگاه و دیدگاه‌های جدیدی که فهم ما را می‌تواند افزایش دهد، نقش مهمی دارند و با ایجاد چشم‌اندازهای تازه، قدرت توصیفی ما را فراتر از سایر عبارات زبانی می‌توانند توسعه دهند. در واقع استعاره به واسطه عملکرد تداعی‌گری‌اش در متون مذهبی به تسهیل شماری از تجارب نو کمک می‌کند.

### روش تحقیق و داده‌های پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کتب و منابع دیجیتالی گردآوری احادیث بوده است. کتب اصول کافی، نهج البلاغه، وسائل الشیعه، غررالحکم، بحارالانوار، تحف العقول، مصباح الشریعه، اعیان الشیعه، نهج الفصاحه و نرم‌افزار جامع الاحادیث نور منابع این تحقیق بوده‌اند. پس از تعیین و تهیه کتب، ابتدا تمامی این کتاب‌ها به دقت مطالعه و پس از واکاوی تمامی احادیث مرتبط با حسد، احادیثی که در آن‌ها موضوع حسد از طریق استعاره تشریح شده، گزینش و بررسی شده‌اند. در ادامه، قلمرو مبدأ موجود در این استعاره‌ها معرفی و نتایج حاصل تفسیر شده است. بدین ترتیب، رایج‌ترین قلمروهای مبدأ در استعاره احساس حسد در احادیث مشخص شده و حسد به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی احساسات در احادیث ائمه با توجه به رویکرد استعاره مفهومی مورد بررسی قرار گرفته است.

### تجزیه تحلیل داده‌ها

از میان تمامی این کتب در مجموع تعداد ۱۰۰ حدیث مربوط به احساس حسد به دست آمد که از این میان ۶۰ حدیث احساس حسد را استعاری بیان کرده‌اند. از میان ۶۰ حدیث استخراج شده، ۳۰ حدیث کاملاً مرتبط با حوزه مبدایی مشخص بوده و ۳۰ حدیث دیگر امکان تلاقی با حوزه مبدای دیگر نداشتند. در

این بخش، به دلیل تکرار برخی استعاره‌ها در برخی احادیث، تنها به ذکر نمونه‌های غیر تکراری بسنده شد. قلمروهای مبدأ برای مفهوم‌سازی احساس حسد به عنوان یک احساس منفی از دیدگاه دینی شامل موارد زیر است:

الف) حسد به مثابه بیماری است.

سلامت و بیماری از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین پدیده‌ها در زندگی آدمی است که انسان آن را همواره تجربه کرده و احساسات و مضرات و آلام مرتبط با آن را درک کرده و طرحواره‌های ذهنی آن‌ها را شکل داده است. با توجه به این که طرحواره‌ها به عنوان الگوهای شناختی تأثیر عمده‌ای بر ادراک و رفتار دارند و می‌توان در راستای ترغیب، منع یا اقتناع از آن‌ها استفاده کرد، مبدا خوبی برای استعاره در نظر گرفته می‌شوند.

طبق تعریف پزشکی به هرگونه ناهنجاری در بدن یا روان که موجب اختلال عملکرد در بیمار یا سایر افراد مرتبط با او و منجر به ضرر و زیان شود، بیماری می‌گویند (هزلیچ و پیرت، ۲۰۲۰). بر طبق تعریف رایج شده، بیماری مقوله‌ای منفی تلقی می‌شود که می‌تواند بدن و روح انسان را که اصلی‌ترین دارایی‌های اوست نابود کند. از میان احادیث بررسی شده، در احادیث زیر حوزه حسد از طریق مفاهیم و اصطلاحات مربوط به بیماری مفهوم‌سازی شده و این خصیصه، علت بیماری و هلاکت مطرح شده و بدین طریق عواقب حسد به شکل بیم‌آوری ترسیم شده است.

۱) حسادت دردی بی‌درمان است.<sup>۱</sup>

۲) حسود هیچ‌گاه شفا نمی‌یابد.<sup>۲</sup>

۳) بیماری امت پیشین یعنی حسادت و کینه به شما سرایت کرده است و این بیماری نه موی سر را که دین را فرو می‌ریزد.<sup>۳</sup>

۴) حسادت تن را فرسوده و علیل می‌کند.<sup>۴</sup>

۵) حسد عیبی رسوا و بخلی سهمگین است و حسود را جز نابودی نعمت محسود شفا ندهد.<sup>۵</sup>

۶) حسود را شفا نمی‌دهد مگر از دست رفتن نعمت از محسود.<sup>۶</sup>

۱. الْحَسَدُ مَرَضٌ لَا يُوسَى (غررالحکم، ح ۱۳۷۸).

۲. الْحَسُودُ لَا يَبْرَأُ (همان، ح ۸۸۴).

۳. دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ حَالِقَةُ الدِّينِ لَا حَالِقَةَ الشَّعْرِ (نهج الفصاحه، ح ۵۵۵).

۴. الْحَسَدُ يُضْنِي الْجَسَدَ (غررالحکم، ح ۹۴۳).

۵. الْحَسَدُ عَيْبٌ فَاضِحٌ وَشُحٌّ قَادِحٌ لَا يَشْفِي صَاحِبِهِ إِلَّا بُلُوعُ أَمَلِهِ فِيمَنْ يَحْسُدُهُ (همان، ح ۲۲۰۵).

۶. الْحَاسِدُ لَا يَشْفِيهِ إِلَّا زَوَالُ النَّعْمَةِ (همان، ح ۱۴۷۸).

۷) سلامتی بدن از کمی حسادت است.<sup>۱</sup>

۸) دردی همچون حسد نیست.<sup>۲</sup>

۹) آدم حسود، همیشه بیمار است.<sup>۳</sup>

۱۰) عجباً از حسودان که از سلامت جسمشان در غفلتند.<sup>۴</sup>

در احادیث ۱ تا ۱۰ که نگاشت استعاری «حسد بیماری است» برقرار است می‌توان تناظری به شکل «حسود بیمار است» نیز میان دو قلمرو در نظر گرفت. در واقع از آنجا که حوزه بیماری عینی‌تر و تجربه‌پذیرتر از حوزه انتزاعی احساس حسد است، به عنوان حوزه مبدا قرار گرفته‌است تا حوزه مقصد یعنی حسد قابل تعریف و قابل درک شود و با فعال شدن ویژگی‌های طرحواره ذهنی بیماری، دافعه این خصلت فزونی گیرد. نکته قابل توجه منفعل نبودن حوزه مبدا انتخابی است؛ به این معنا که بیماری به عنوان یک عنصر مولد و موثر می‌تواند منجر به تغییراتی منفی در انسان شود و موقعیت جسمی و روحی انسان را به موقعیتی دیگر تغییر دهد. حال آن‌که تمامی این مفاهیم و ویژگی‌های حوزه مبدا از طریق نگاشت استعاری به حسد منتقل می‌شود. همچنین، خودتخریبی حوزه مبدا بیماری به این معنا که مضرات و آلام هر بیماری در وهله اول متوجه خود فرد بیمار می‌شود، مرتبط با مفاهیم احادیث، مبنی بر متوجه بودن مضرات حسد به خود شخص حسود است. از طریق این استعاره ویژگی‌های حسد به صورتی شفاف عینی‌سازی می‌شود و همان‌طور که بیماری دارای عوارضی است، خصیصه حسد نیز فرد حسود را دچار عوارضی همچون از دست رفتن دین می‌کند. در قرآن در آیه ۸ سوره یوسف (إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) حسد نقصان روحی و شخصیتی معرفی شده است.

ب) حسد به مثابه گیاه و مقولات مرتبط با آن است.

به دلیل پیوند ریشه‌دار انسان با طبیعت، امکان درک حسی حوزه مفهومی گیاه و مفاهیم مربوط با آن برای انسان بسیار زیاد است و پدیده‌ای ملموس‌تر از حوزه احساس حسد تلقی می‌شود. انسان از زمان آغاز فرهنگ و تمدن انسانی با گیاه ارتباط داشته‌است (رستمی‌نژادان، ۱۳۹۰) و با اغلب اجزا، کارکردها، آسیب و مزایای آن آشناست. بنابراین، در این ساختار استعاری احساس حسد به گیاه و مقولات مرتبط با آن مثل ریشه، آفت و ثمره مرتبط شده تا از این طریق عواقب حسد به صورت عینی بیان شود. همچنین، انتخاب

۱. صِبْحَةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلِيلِ الْحَسَدِ (نهج البلاغه، ح ۲۵۶).

۲. لا داء كالحسد (غررالحکم، ح ۱۰۴۷۸).

۳. الحسود أبدا علیل (همان، ح ۷۸۲).

۴. العجب من غفلة الحساد عن سلامة الأجساد (نهج البلاغه، ح ۲۲۵).

گیاه به عنوان پدیده زنده‌ای که رشد می‌کند در جایگاه مبدا استعاره‌ها، پویایی و عدم ایستایی حسد را در ذهن متبادر می‌کند و تصور توان تاثیرگذاری رشد این احساس را ممکن می‌سازد.

میوه و ثمره حسادت بدبختی در دنیا و آخرت است.<sup>۱</sup>

از حسادت بپرهیزید که ریشه کفر حسادت است.<sup>۲</sup>

ریشه‌های کفر سه چیز است: حرص و خودبزرگ‌بینی و حسد.<sup>۳</sup>

اصل و ریشه حسد کوری دل و انکار فضل الهی است.<sup>۴</sup>

حسادت ثمری ندارد مگر زیان و ناراحتی که دلت را سست و تنت را بیمار می‌کند.<sup>۵</sup>

همانطور که دین اسلام برای بیان هر یک از آموزه‌ها و مفاهیم خود فصیح‌ترین و کارگشایترین شیوه را انتخاب می‌کند در این نگاشت استعاری نیز جنبه‌های مختلف حوزه حسد مانند ابعاد و نتایج منفی حاصل از حسد، نحوه و شدت تاثیر آن و راهکارهای دوری از آن، در قالب اجزا مختلف گیاه مفهوم‌سازی شده است. به این صورت که برای رساندن هر یک از مفاهیم یک استعاره استفاده شده است. در این استعاره‌ها تمام مراحل برای آگاهی، درک، هدایت و نجات بشر پوشش داده شده است و با سه مفهوم ریشه، میوه و گیاه هم علت حسد و هم نتایج و هم راهکارهایی برای رهایی از آن به‌روشنی بیان شده است. به طور مثال، با تشبیه انکار کردن فضل الهی به عنوان ریشه گیاه حسد انسان را در جهت کشف علت و حل این مسأله راهنمایی می‌کنند. به طور ضمنی این مفهوم القا می‌شود که اگر می‌خواهی به حسد دچار نشوی باید راهکار خشوع در برابر فضل الهی را در پیش بگیری. همچنین، در راستای نشان دادن عواقب حسد استعاره شماره ۱۲ و ۱۳ بیان می‌شود و کفر را به عنوان حاصل ریشه حسد مطرح می‌کند و در واقع هشدار می‌دهد که اگر بر حسد غلبه نکنی کفر در پیش روی توست. همچنین، در نمونه شماره ۱۱ و ۱۳ با استفاده از تجربه انسان که هر گیاه میوه مرتبط با خود را به بار می‌آورد، میوه گیاه حسد را چیزی به جز بدبختی و ناراحتی در نظر نگرفته است. این میوه حسد؛ یعنی ناراحتی و سستی در احادیث دیگری مانند موارد زیر نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

• حسد، به وجود آورنده غم جانکاه است.<sup>۶</sup>

۱. ثَمَرَةُ الْحَسَدِ شَقَاءُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (میزان‌الحکمه، ۱/۶۲۸).

۲. إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ (تحف العقول، ۱/۳۱۵).

۳. اصول الكفر ثلاثة الجرض و الإستكبار و الحسد (خصال، ۱/۹۰).

۴. والحسد أصله من عمى القلب، ووجود فضل الله تعالى (مصباح‌الشریعه، ۱/۱۰۴).

۵. الْحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَّةً وَغَيْظًا يُوْهِنُ قَلْبَكَ وَيَمْرُضُ جِسْمَكَ (بحارالانوار، ۲۵۶/۷۰).

۶. الْحَسَدُ يُنْشِئُ الْكَمَدَ (غررالحکم، ح ۱۰۳۸).

- هرکس حسادتش زیاد شود، اندوهش به درازا کشد.<sup>۱</sup>
- دل‌های خود را از حسد پاک کنید که حسد غم‌فزا است.<sup>۲</sup>
- حسد عیش و شادی را از بین می‌برد.<sup>۳</sup>

این همبستگی و ارتباط معنایی میان احادیث و قرآن کریم نیز کاملاً برقرار است و آیه ۴۷ سوره حجر (وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ) نیز امنیت حاکم میان بهشتیان را ناشی از ریشه کن شدن حسد و کینه و عداوت معرفی می‌کند. در واقع، حسود به جای آن‌که انرژی و توان خود را در راه رشد و تعالی به کار گیرد، آن را در حسرت، تأسف و خودآزاری به کار می‌برد و از آنجا که هیچ‌گاه خود و داشته‌هایش را نمی‌بیند و همیشه به آنچه دیگران دارند فکر می‌کند، هیچ‌گاه احساس شادی نمی‌کند و اندوهی همیشگی دارد.

(پ) حسد به مثابه بنا است.

یکی از در دسترس‌ترین عناصر مهم محیط زیست آدمی، مسکن و بنا است که انسان در کاربردهای مختلف از آن استفاده کرده است و از ساختار و نمود آن تجسم عینی دارد. بنابراین، بنا به عنوان حوزه مبدئی تجربه‌شده در استعاره مفهومی می‌تواند به کار رود.

(۱۱) حسادت زندان روح است.<sup>۴</sup>

نکته قابل توجه در این استعاره استفاده بزرگان دینی از زندان به عنوان تنها بنایی است که می‌تواند احساس حسد را با عینیت بیشتری برای انسان بازسازی کند. در واقع، با استفاده از این استعاره به یکی دیگر از نتایج حسد که جلوگیری از رشد روحی و معنوی انسان است اشاره می‌شود که همان‌طور که زندان انسان را از رسیدن و رفتن منع و محکوم به محصور شدن در چهارچوبی محدود می‌کند، حسد نیز از به پرواز درآمدن و تعالی روحی جلوگیری می‌کند. همچنین، منحصر بودن آثار حسد به خود شخص حسود نیز کاملاً در این استعاره بازنمایی می‌شود و همان‌طور که تنها اثر زندان بر شخص زندانی است نه بر افراد خارج از زندان تمامی آثار و آلام حسد نیز بر جسم و روح حسود می‌باشد. در این استعاره هماهنگی و هم‌راستا بودن احادیث کاملاً مشهود است و اگر در احادیث دیگر مثل احادیث حوزه بیماری حسود را تنها قربانی حسد معرفی می‌کند، در این استعاره نیز همان مفهوم پیگیری می‌شود.

(ت) حسد به مثابه شیء و ابزار است.

۱. من کثر حسده طال کمده (همان، ح ۸۴۲۷).

۲. طَهِّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحَسَدِ، فَإِنَّهُ مُكْمِدٌ مُضْنِي (همان، ح ۶۰۱۶).

۳. الْحَسَدُ يَنْكِدُ الْعَيْشَ (همان، ح ۸۰۹).

۴. الْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ (غررالحکم، ح ۳۷۲).

در این استعاره ابزارها حوزه مفهومی مبدأ را شکل می‌دهد. این حوزه مفهومی بسیار پرکاربرد است و در بسیاری از جملات و ضرب‌المثل‌های فارسی مانند: «چوب لای چرخ مردم گذاشتن»، «بالا رفتن آمپر فرد و جوش آوردن» نیز به کار می‌رود تا مفاهیم انتزاعی را با تجربه‌های عینی انسان گره بزند و درک انسان را از یک مقوله عمیق‌تر کند. در نمونه‌های زیر ابزار برای کمک به فهم حوزه مقصد حسد به کار گرفته شده‌است.

(۱۲) حسادت مرکب رنج است.<sup>۱</sup>

(۱۳) حسادت بزرگ‌ترین دام شیطان است.<sup>۲</sup>

(۱۴) مؤمن حسدش را به کار نمی‌بندد [و عملاً به دنبال تخریب دیگران نمی‌رود].<sup>۳</sup>

(۱۵) سلاح لئیمی و پستی، حسد است.<sup>۴</sup>

(۱۶) از حسد بهره‌یزید که قابیل [از روی حسادت] هابیل را کشت.<sup>۵</sup>

نکته مشترک در تمامی ابزارهای بالا فاعل بودن آن‌هاست که همگی منجر به انجام عملی می‌شود و این طرح‌واره منجر به عینیت دادن بیشتر به توانایی حسد در انجام و ایجاد نتایج مختلف می‌شود که هم راستا با ویژگی‌هایی است که در حوزه‌های مبدا دیگر نیز برای حسد قائل شده‌اند. در واقع در احادیث تلاش شده‌است که توانایی حسد در ایجاد آثار نامطلوب مورد تأکید قرار گیرد و به عنوان صفتی پویا در جهت منفی شناسانده شود. همچنین، از میان پنج مورد استعاره بالا، حسد در سه مورد به ابزار قتل تشبیه شده‌است تا به این وسیله خطرناک بودن و تاثیرات کشنده حسد بر روح و جسم انسان آشکار شود. نکته جالب توجه ارتباط متقن بین احادیث مختلف است به گونه‌ای که یکی علت و شاهد حدیثی دیگر است و هیچ کدام در جهت نقض هم کارساز نیستند؛ حال چه در قالب استعاره بیان شده باشند چه در قالب دیگری. به عنوان مثال احادیث زیر را در نظر بگیرید:

● حسود زود خشمگین می‌شود و دیر کینه از دلش می‌رود.<sup>۶</sup>

● حسد، جز زیان و خشم در وجود انسان، چیزی ایجاد نمی‌کند.<sup>۷</sup>

همانطور که در این دو حدیث بیان شده‌است خشم معلول حسد در نظر گرفته شده‌است و خشم

۱. الْحَسَدُ مَطِيئَةُ التَّعَبِ (بحارالانوار، ۱۳/۷۵).

۲. الْحَسَدُ مَقْنَصَةُ إِبْلِيسَ الْكَبْرَى (غررالحکم، ح ۱۱۳۳).

۳. ان المؤمن لا يستعمل حسده (کلینی، ۱۰۸/۸).

۴. سلاح اللؤم الحسد (غررالحکم، ح ۵۵۴۵).

۵. ... إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ ابْنَ آدَمَ إِذَا قَتَلَ أَحَدَهُمَا... (نهج الفصاحه، ح ۹۹۷).

۶. لِحَسَوْدٍ سَرِيْعٍ الْوُثْبِيَّةِ، بَطِيءُ الْعَطْفَةِ (بحارالانوار، ۷۳/۲۵۶، ح ۲۹).

۷. الحسد لا يجلب الا مضرة وغیظا يوهن قلبك و يمرض جسمك (بحارالانوار ۷۰/۲۵۶، ح ۲۹).

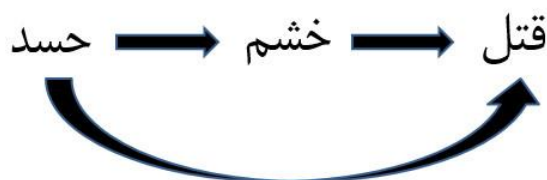
از ویژگی‌های فرد حسود بر شمرده شده است. حال در احادیث دیگر در باب احساس خشم احادیث زیر مورد تامل است.

• چه چیز بدتر از غضب است، هنگامی که انسان خشمگین می‌شود، آدم می‌کشد و افراد پاک را دشنام می‌دهد و متهم می‌سازد.<sup>۱</sup>

• غضب عقل آدمی را فاسد می‌کند، و انسان را از کار صحیح دور می‌سازد.<sup>۲</sup>

این احادیث هر چند شأن نزول متفاوت دارند اما نه تنها یکدیگر را نقض نمی‌کنند بلکه معارف آن، همچون حقایق هستی، پیوسته، مصدق و مفسر یکدیگرند. این پیوندهای معنایی را می‌توان حاصل هدف مشترک دانست که این احادیث برای تحقق آن بیان شده است و این هدف مشترک «هدایت بندگان» به نور و روشنی و رهایی آنان از تاریکی‌های جهل و انواع گمراهی (کفر و شرک و نفاق) است. در واقع تمامی این احادیث، در پرتوی هدف واحد هدایت انسان‌ها با هم پیوند دارند و چون شبکه‌ای به هم پیوسته‌اند که آیات توحیدی در مرکز آن قرار دارند. احادیث بالا چنان‌که در شکل ۱ نمایش داده شده است این پیوستگی را به خوبی نشان می‌دهد.

شکل ۱



در واقع، حسود به علت عدم رضایت از وضعیت خود و همچنین وضعیت خوشایند دیگران به خشم می‌آید و ممکن است که برای گرفتن نعمت از محسود دست به اعمال زیان‌باری بزند. بنابراین، از علل به وجود آمدن حس خشم حسادت است. بر همین مناسبت که در سه مورد از استعاره‌ها حوزه مبدا ابزار، و دو حدیث دیگر زیر که در این حوزه مبدا جای نگرفته‌اند حسد به عنوان ابزار قتل و عامل کشنده بیان شده است:

• هلاکت انسان‌ها در سه چیز است: خودبزرگ‌بینی و حرص و حسد.<sup>۳</sup>

۱. ای شئیء أشد من الغضب إن الرجل إذا غضب یقتل النفس و یذوق المحصن (سفینة البحار، مادة «غضب»).

۲. الغضب یفسد الأبواب و یبعد من الصواب (غررالحکم، ح ۱۳۵۶).

۳. هلاک الناس فی ثلاث: الکبر و العجز و الحسد (بحارالانوار، ۱۱۱/۷۵).



● از حرص و حسد دوری کنید؛ زیرا این دو خصلت امتهای گذشته را به هلاکت رسانید.<sup>۱</sup>  
 از نظر عالمان دینی و روان‌شناسان نیز حسادت در جهان عامل بسیاری از درگیریها، قتل‌ها، جنایت‌ها و تخریب‌ها است (خانی، ۱۳۸۶). حسد در قرآن نیز به طور ضمنی بیان شده است؛ آنجا که از حسادت برادران یوسف یاد کرده و اضافه کرده است که آن‌ها علی‌رغم برادری با یوسف راضی به قتل او شدند و سرانجام به خواری و رسوایی رسیدند.

ث) حسد به مثابه تجارت و ابزار کسب و کار است.

مبادله کالاها و خدمات از ابتدایی‌ترین عواملی است که انسان‌ها را به برقراری ارتباط سوق داده است و انسان‌ها از دیرباز به نحوی با موضوع معامله و تجارت درگیر بوده‌اند و همواره در نقش خریدار یا فروشنده ظاهر شده‌اند که همه این‌ها تاثیر بسیاری در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی با مبدأ تجارت و کسب کار داشته است. در استعاره حسد تجارت است، حسد نیز مانند تجارت دستاوردهایی را به همراه دارد که البته این دستاوردها منفی و زیان‌بار است.

۱۷) حسود پیش از آنکه به محسود زیان رساند به خود زیان می‌رساند؛ مانند ابلیس که با حسدورزی برای خود نفرین خرید و برای آدم برگزیدگی.<sup>۲</sup>

در این نمونه حسد به مثابه کالای قابل فروش در نظر گرفته شده است که با آن دچار سود و زیان می‌توان شد. آشنایی انسان با احساسات ناخوشایندی که به واسطه زیان تجربه کرده است و با توجه به فطرت کمال‌جوی خویش که به احساسات مثبت‌گرایش دارد و در جهت حفظ آن‌ها تلاش می‌کند از عواملی که مانع دستیابی به آن می‌شود دوری می‌کند. در واقع، ایجاد این ارتباط و نگاشت بین این دو حوزه باعث تبادل و تداعی احساسات منفی به ذهن می‌شود که می‌تواند در دوری از این خصیصه تاثیرگذار باشد. لازم به ذکر است که در اینجا دو حوزه مقصد نفرین و برگزیدگی نیز به صورت استعاری و به عنوان کالایی قابل خرید به کار رفته‌اند.

ج) حسد به مثابه باران است.

انسان از آغاز خلقت با طبیعت در تماس بوده است. پدیده‌های طبیعی را می‌شناسد و با آن‌ها و آثارشان زندگی کرده است. یکی از این پدیده‌های طبیعی باران است که به عنوان یک پدیده مثبت باعث رویش گیاهان می‌شود. در این استعاره حسد صفتی منفی است که به باران تشبیه شده است و این بارش به رویش فساد و پدیده‌های منفی می‌انجامد؛ زیرا در دیدگاه شناختی مفهوم استعاره اغلب نه صرفاً برحسب

۱. يَاكُمُ وَالْجُرْضِ وَالْحَسَدُ فَإِنَّهُمَا أَهْلَكَا الْأُمَّةَ السَّالِفَةَ (همان، ۳۴۶/۷۵).

۲. حَاسِدٌ مُضَرٌّ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُضَرَّ بِالْمَحْسُودِ، كَابْلِيسَ أَوْرَثَ بِحَسَدِهِ لِنَفْسِهِ اللَّعْنَةَ وَ لَادَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَجْتَبَاءَ (بحار الانوار، ۷۰/۲۵۵، ح ۲۳).

شباهت بلکه بر پایه همبستگی‌هایی تجربه‌شده طرح‌ریزی می‌شوند. در واقع، در این استعاره بیش از وجه باریدن باران بر ویژگی مولد و زایا بودن باران تاکید شده که در این استعاره منجر به وجود آمدن فساد شده است. به عبارت دیگر، این حدیث نیز بر پویایی و توانایی این خصیصه در راستای ایجاد نتایج منفی است و فساد را به عنوان معلول و محصول حسد معرفی می‌کند.

(۱۸) آنگاه که حسادت بیارد، فساد می‌روید.<sup>۱</sup>

این استعاره نیز در جهت تاکید بر این موضوع است که برخی از گناهان حالت تولیدی و زایش گناه دارند و یک گناه عامل و مولد گناهان بسیار دیگر می‌شود؛

(چ) حسد به مثابه آتش است.

در این استعاره مفهومی از حوزه مبدأ آتش که از اولین کشفیات است و انسان از دیرباز از فواید و عواقب آن آگاه است استفاده شده است. در تمام نمونه‌های زیر حسد به آتش تشبیه شده است:

از حسادت بپرهیزید، زیرا حسنات و نیکی‌ها را می‌سوزاند همچنان که آتش هیزم را.<sup>۲</sup>

حسادت بدن را آب می‌کند.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند، حسد ایمان را می‌سوزاند.<sup>۴</sup>

آتش به عنوان یک واکنش شیمیایی باعث سوزاندن و از بین بردن مواد می‌شود و در نتیجه این سوختن تولید نور و حرارت می‌کند (منصوری، حسین و سیدهادی قدوسی فر، ۱۳۹۶). این تعریف ذکاوت و استفاده ظریف احادیث از استعاره را به خوبی نمایان می‌کند که در تشبیه حسد به آتش ضمن این‌که بر ویژگی تخریب و زیان‌بارگی آن تاکید شده است که موجب ویرانی و از دست رفتن داشته‌های مثبت و مفید می‌شود، بر تولید و به وجود آوردن موارد دیگر بر اثر این سوختن نیز به طور ضمنی اشاره می‌شود؛ به این معنا که در نتیجه سوختن ایمان یا نیکی و حسنات شما در آتش حسد، زیان‌ها و تبعات دیگری نیز به وجود می‌آید.

(ح) حسد به مثابه انسان است.

از آن‌جا که دسترسی انسان به بدن، کنش و افعال خود بی‌واسطه و شناخته شده است در بسیاری از استعاره‌های مفهومی برای درک امور انتزاعی از مفاهیم مربوط به انسان‌ها استفاده می‌شود تا عینیت بیشتری پیدا کند. عبارات زیر نمونه‌هایی از این مطلب هستند.

۱. إِذَا أَمْطَرَ التَّجَاسُدُ نَبَتَ التَّفَاسِدُ (غررالحکم، ح ۴۱۳۱).

۲. إِيَاكُمْ وَ الْحَسَدَ، فَإِنَّهُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ (نهج الفصاحه، ح ۹۸۷).

۳. الحسد يذيب الجسد (غررالحکم، ح ۹۸۱).

۴. ان الحسد لتأكل الايمان كما تاكل النار الحطب (کلینی، ۳۰۶/۲).

۱۹) آفرین به حسادت! چه عدالت پیشه‌است پیش از همه صاحب خود را می‌کشد. [۲۷].

۲۰) حسادت، منش انسان‌های پست و دشمن حکومتهاست [۲۸].

۲۱) حسادت مادر همه بدی‌هاست [۲۹].

در نمونه‌های بالا افعال و حالات کاملاً انسانی به حسد نسبت داده شده‌است. قابل توجه‌است که تأکید بر زایایی و مولد بودن حسد در این حوزه مبدأ نیز به چشم می‌آید و حسد به مادر تشبیه شده‌است که می‌تواند باعث زایش و تولید بدی شود. همچنین، دو ویژگی کشندگی و زیان‌بارگی نیز در این حوزه مبدأ قابل توجه است که از میان تمام ویژگی‌های انسانی خصوصیات منفی گزینش شده‌است؛ زیرا ترس از نابودی احساسی است که هر انسانی آن را تجربه کرده‌است و همیشه همراه خود داشته‌است. این احساس می‌تواند ترس از نابودی جان باشد که برای اغلب افراد اضطراب‌آور است یا هر چیز دیگری که از دست دادنش به ضرر انسان است. در نتیجه، از این احساس انسان که برای او قابل درک است برای ترسیم عواقب حسد به شکل بیم‌آوری استفاده شده‌است. در واقع، این احساس می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه سبب بسیاری از مشکلات شود.

### نتیجه‌گیری

۲۲) پدیده استعاره سیر دگرگونی مهمی را طی کرده‌است و بر خلاف دیدگاه‌های اولیه که استعاره را یک صنعت ادبی و برای آرایش کلام در حوزه خطابه و شعر و ادبیات قلمداد می‌کردند، پا را از ادبیات فراتر نهاده و در کل زبان و حتی در تبیین سازوکارهای ذهنی نقش مهمی ایفا کرده‌است.

۲۳) از جمله آثاری که مفاهیم انتزاعی زیادی را در برمی‌گیرد و برای تشریح آن‌ها باید از حوزه‌های شناخته شده بهره جست، گفتمان مذهبی است. این مقاله استعاره‌های مفهومی احادیث ائمه در باب حسد را بررسی کرده و در چارچوب این نظریه، بیان مفاهیم مجرد و انتزاعی را به وسیله زبان استعاری مورد واکاوی قرار داده‌است. پس از بررسی روایات مرتبط با حسد در کتب و نرم‌افزارهای معرفی شده، ۱۰۰ حدیث در باب حسد استخراج شد و از میان آن‌ها ۶۰ حدیث دارای ساختاری استعاری بودند که نشان‌دهنده تأکید بر استفاده از این ساختار در کلام دینی است.

۲۴) پس از مطالعه و بررسی ۵۰ درصد این احادیث که دارای حوزه مبدا مشخص و ثابت بودند و دچار اختلاف رای نمی‌شدند این نتایج به دست آمد که تمامی حوزه‌های مبدا مشخص شده اعم از بیماری، گیاه، بنا، ابزار، تجارت و کسب و کار، باران، آتش و انسان ارتباطی نزدیک با انسان داشتند؛ به نحوی که انسان اکثر حوزه‌های انتخاب‌شده را تجربه کرده و با زندگی او درآمیخته‌است و بخشی از

زندگی روزمره او را تشکیل می‌دهد. این همان مزیت استعاره است که از طریق ایجاد نگاشت، مفاهیم انتزاعی را برای انسان کاملاً قابل درک می‌کند. حال آن‌که این مزیت همان هدف معارف اسلامی است تا راه آگاهی و نجات برای همگان قابل درک و فهم باشد.

در نگاه نخست در بررسی روایات معصومین و تعبیرات و استعاره‌های هشداردهنده آنان ضررها و زیان‌های حسادت در دو بخش زیان‌های دنیوی و زیان‌های اخروی قابل بررسی است. زیان‌های دنیوی آن مانند ناآرامی روانی، بیماری جسمانی، حسرت دائمی، از دست دادن دوستان، ضرر زدن به خود، نرسیدن به سیادت و بزرگی و زیان‌های اخروی آن همچون نابودکننده دین و ایمان، شقاوت ابدی، ازدیاد گناهان و نابودی اعمال است. در این بررسی همچنین ارتباط ویژگی‌های بیان‌شده در حوزه‌های مبدأ مختلف کاملاً مشهود بود؛ به طوری که همه استعاره‌ها در حوزه‌های مبدأ مختلف به ویژگی‌های ثابتی از حسد اشاره می‌کردند. ویژگی‌های زبانی و پویایی این خصیصه که می‌تواند منجر به افعال و رفتار و احوال شود، در تمامی حوزه‌های مبدأ قابل مشاهده است. در واقع، این احساس به عنوان یک نیروی محرک می‌تواند سبب بسیاری از مشکلات شود.

همچنین، ویژگی ویرانگری این خصیصه نیز از طرق مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر در حوزه‌های مبدأ گزینش شده قابلیت مهار آن‌هاست؛ به این معنی که هر چند حوزه‌های انتخابی خاصیت ویرانگری و ضرربخش دارند، اما غلبه‌ای از پیش تعیین‌شده در نظر گرفته نشده است و امکان مهار و پیروزی بر آن وجود دارد. همچنین، واکاوی روایات نشان داد که ابعاد مورد نیاز انسان در باب این خصیصه در استعاره‌ها لحاظ شده است. به این معنا که صرفاً به بیان رابطه‌ای تشبیهی بسنده نشده است، بلکه علل و راهکارهای مواجهه با این خصیصه نیز بیان شده است. نکته مهم و غالب در سراسر پژوهش هم‌پوشانی و پیوستگی کامل بین احادیث بود؛ به طوری که پیوند معنایی بین احادیث مختلف، شبکه‌ای به هم پیوسته و متقن است و در پرتوی هدف واحد هدایت انسان‌ها پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که یک حدیث دلیل و شاهد حدیث دیگر قرار گرفته بود. همچنین، مرکزیت آیات توحیدی و همبستگی آیات مطرح‌شده در باب حسد در قرآن در سراسر روایات بررسی شده قابل مشاهده بود.

## منابع

- پرتوی، آ.، سعادت‌نیا، س.، و حاجی پور، ن.، استعاره‌ی مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه، (۱۳۹۸)، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، (۱۱).
- حبیبی، ف.، فتاحی‌زاده، ف.، و افراشی، آ.، بررسی تطبیقی استعاره‌ی مفهومی «قول» و «کلام» در قرآن کریم: رویکردی شناختی، (۱۳۹۹)، پژوهشنامه‌ی تفسیر و زبان قرآن، (۱)۹، ۱۱۵-۱۳۳.
- خانی، ح.، حسد از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی، (۱۳۸۶) مجله بشارت، ۵۹، ص ۱۲.
- عبدی چاری، م.، و هدایتی عزیزی، ف. تحلیل و بررسی استعاره مفهومی آیات مربوط به قیامت. (۱۳۹۹)، مدیریت دانش اسلامی، ۲(۲) (پیاپی ۴)، ۶۵-۹۷.
- عبیدی، ح.، رومیانی، ب.، استعاره‌ی مفهومی عشق در آثار نظامی، (۱۳۹۸)، زیبایی‌شناسی ادبی، ۴۱.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع.، خ. حاجیان، استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نقد ادبی، (۱۳۸۹)، ۳(۹).
- کریمی، ز.، قطبی، ث.، و داوودی مقدم، ف.، استعاره‌ی مفهومی «عقل» در روایات، (۱۴۰۰)، پژوهش‌های دینی، ۲۰(۴۲)، ۲۲۲-۱۹۹.
- ملکیان، م.، ف. ساسانی، بیان استعاری غم و شادی در گفتار روزمره، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، (۱۳۹۲) سال ۳.
- منصوری، حسین و هادی قدوسی فر، ارزیابی تاثیر آتش سوزی بر خصوصیات بتن، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، دانشگاه اسوه - تهران - دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
- نورمحمدی، م.، ف. آفاگل‌زاده، ا. گلفام، تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج‌البلاغه (رویکرد زبان‌شناسی شناختی)، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، (۱۳۹۱)، شماره ۲۲.
- نجف‌زاده، ا.، کندی، ک. استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی، ادبیات و زبانها، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۷)، شماره ۸، صص ۵۳-۵۰.
- هوشنگی، ح.، م. سیفی پرگو، استعاره‌ی مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی، پژوهشنامه‌ی علوم و معارف قرآنی، (۱۳۸۸)، سال ۱، شماره ۳.
- Harrison, Victoria S, *Metaphor, religious language, and religious experience*, Sophia 46.2 (2007), 127-145.
- Herzlich, C., & Pierret, J. *Illness: From causes to meaning*. In Concepts of health, illness and disease (2020), (pp. 71-96). Routledge.
- Tracy, David, *Metaphor and religion: The test case of Christian texts*, Critical inquiry (1978): 91-106.

- Soskice, Janet, M, *Metaphor and Religious Language*, Oxford, Clarendon Press, 1985.
- Lakoff, G, and M, Johnson, *Metaphors We Live By*, Chicago, the University of Chicago Press, (1980).
- Mesquita, Batja, and Ashleigh Haire, *Emotion and culture*, Encyclopedia of Applied Psychology (2004), 731-737.
- Salovey, Peter, and Alexander J, Rothman, *Envy and jealousy: Self and society*, The psychology of jealousy and envy (1991), 271-286.
- Yanti, Y., & Aziz, M. (2021). *Metaphorical Expressions of Sadness in English and Japanese*. Journal Kata: Penelitian tentang Ilmu Bahasa dan Sastra, 5(1), 85-93.